

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی ام، دوره جدید، شماره ۴۸، پیاپی ۱۳۸، زمستان ۱۳۹۹ / صفحات ۶۹-۴۳
مقاله علمی - پژوهشی

تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر شکل‌دهی حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان^۱

کامبیز امیر اسمی^۲
ابوالحسن فیاض انوش^۳
فریدون الهیاری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۲

چکیده

تیموریان زندگی شهری را ارج می‌نهادند و در زمینه شکوفا کردن شهرها و رونق دادن به جنبه‌های گوناگون زندگی شهری کوشا بودند. شهرها کارکرد اجتماعی مهمی داشتند و طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی در آنها فعال بودند. بنابراین حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان، به مسئله‌ای مهم تبدیل می‌شود. در نوشتار حاضر تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان چگونه بود و کدام عوامل و عناصر در شکل دادن به آن نقش داشتند؟ فرضیه مورد ادعای پژوهش حاضر این است که تیموریان و برخی طبقات و گروه‌های اجتماعی، در کنار مناسبات اجتماعی، پویایی اجتماعی شهرهای مهم را امکان‌پذیر کردند. هدف این نوشتار تحلیل تاریخی حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان است. بر همین اساس، کوشش شده است دیدگاه تیموریان نسبت به شهر و زندگی شهری بررسی شود. همچنین مهم‌ترین گروه‌ها و طبقات اجتماعی مؤثر بر حیات اجتماعی شهر معرفی شوند و به مناسبات اجتماعی شهرنشینان اشاره شود. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که تیموریان در رونق دادن به حیات اجتماعی شهرها مؤثر بودند. شهرهای مهم قلمرو آنها شکوفا شده بود و کانون‌های مهم تجمع جمعیت شدند. همچنین انواع فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و مناسبات اجتماعی در آنها گسترش یافت. این‌گونه بود که این شهرها از پویایی و سرزندگی اجتماعی برخوردار شدند.

واژه‌های کلیدی: تیموریان، شهر، حیات اجتماعی، گروه‌ها و طبقات اجتماعی، مناسبات اجتماعی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2020.20520.1661

۲. دانشجوی دکتری گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، kambizamiresmi49@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول) a.fayyaz@ltr.ui.ac.ir

۴. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، f.allahyari@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

تهاجم و حضور تیموریان زندگی اجتماعی ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. در دوره تیموریان شهر با داشتن بازار، محله، مسجد، مدرسه و خانقاه و همچنین کوشش تیموریان در ایجاد این نوع فضاها، کارکرد اجتماعی خود را حفظ کرده بود. مرمت و آبادانی شهرها رونق شهرنشینی را به همراه داشت و حمایت از طبقات اجتماعی شهرها، افزایش نقش گروه‌های شهری را به دنبال داشت. با ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد و شکوفایی شهرها، بررسی حیات اجتماعی شهر حائز اهمیت‌های تاریخی می‌شود و به عنوان یک مسئله مهم مطرح می‌شود. بر همین اساس، تلاش می‌شود به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان چگونه بود و کدام عوامل و عناصر در شکل دادن به آن نقش داشتند؟ این پرسش اصلی متضمن پرسش‌های فرعی ذیل است. دیدگاه تیموریان نسبت به شهر و زندگی شهری چگونه بود؟ مهم‌ترین گروه‌ها و طبقات اجتماعی شهر کدام بودند و چه نقشی در حیات اجتماعی شهر داشتند؟ رفتارهای اجتماعی شهرنشینان چگونه بود؟ در پاسخ به پرسش اصلی، فرضیه ذیل به آزمون گذارده شده است که: در نتیجه علاقه و توجه تیموریان به آباد کردن شهرها امور اقتصادی و فرهنگی رونق گرفت و طبقات و گروه‌های اجتماعی شهری نظیر پیشه‌وران، تجار، دیوانیان، شخصیت‌های دینی و هنرمندان فعال شدند و به حیات اجتماعی شهر معنا دادند و موجب رشد و بهبود آن شدند.

پژوهش حاضر اهمیت و ضرورت دارد؛ زیرا بررسی حیات اجتماعی شهر از یک سو موجب می‌شود که جایگاه طبقات و گروه‌های مختلف جامعه و چگونگی ارتباط آنها با حکومتگران بهتر روشن شود و از سوی دیگر، زمینه‌ای برای شناخت ساختار اجتماعی جامعه شهری فراهم می‌کند. بنابراین در راستای مطالعه تاریخ اجتماعی عصر تیموریان، بررسی حیات اجتماعی شهر اهمیت می‌یابد. هدف این نوشتار تحلیل تاریخی حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان است؛ زیرا به شناخت هرچه بیشتر آن دوره و ایجاد تصویری درست‌تر از آن حکومت و جامعه شهری زیر سلطه‌اش یاری می‌رساند. نوع مطالعه تاریخی و رویکرد تحقیق توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

پیشینه تحقیق

در مطالعات و پژوهش‌هایی که دوره تیموریان مورد بررسی قرار گرفته، بررسی حیات اجتماعی شهر به صورت خاص مورد توجه و عنایت قرار نگرفته است. نزدیک‌ترین پژوهش‌ها به موضوع نوشتار حاضر مقالاتی است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود. یوسف‌جمالی،

میرجعفری و کلانتر در مقاله «طبقات، مناصب و ساختار شهرهای خراسان دوره تیموری» به بخشی از اوضاع اجتماعی عصر تیموری اشاره کردند، اما حیات اجتماعی شهر را مورد بررسی قرار نداده‌اند. میرجعفری، یوسف جمالی و موگویی در مقاله «عوامل رشد و زوال شهرهای ایران در عصر تیموریان» در مواردی به اوضاع اجتماعی عصر تیموری اشاره کرده‌اند، اما بحث مستقلی درباره حیات اجتماعی شهر ارائه نداده‌اند. سمائی دستجردی، الهیاری و فروغی ابری نیز در مقاله «بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان» با بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران، فقط به بخش مختصری از حیات اجتماعی شهر در قلمرو تیموریان اشاره کرده‌اند. بدین ترتیب، با توجه به اینکه تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه انجام نشده است، پژوهش حاضر ضروری به نظر می‌رسد.

۱. شهر و زندگی شهری در نگاه تیموریان

مدت‌های طولانی خاندان جغتایی معنای زندگی شهری، ضروریات زندگی شهرنشینی و فواید آن را درک نمی‌کردند (گروسه، ۱۳۶۵: ۵۳۶). در الوس جغتای یکجانشینان و قبایل ترک و مغول زندگی می‌کردند. رهبران قبیله‌ای حاکمانی بر شهرهای تحت سلطه خود گمارده بودند. برای نمونه، تعلق تیمور حکمرانی شهر کش را به امیر تیمور واگذار کرد (شامی، ۱۳۶۳: ۱۶). گرچه جامعه ایلپاتی الوس جغتای به سبب سنت‌های موروث قبیله‌ای زندگی کوچ‌رو را بر یکجانشینی ترجیح می‌داد، اما به تدریج برخی از رهبران قبایل تمایل یافتند شهری را به عنوان مرکز قدرت و محل استقرار خویش انتخاب کنند. کبک (متوفای ۷۲۶ق) در نزدیکی نسف سکونتگاهی برای خود احداث کرد و آن مکان که به «قرشی» شهرت یافته بود، به تدریج به یک شهر تبدیل شد (یزدی، ۱۳۸۷: ۳۲۰/۱). گویا کبک به شهرها و مردم شهرنشینی بی‌علاقه نبود؛ زیرا یزدی درباره او نوشته است: «شهر بلخ را که از عهد چنگیزخان خراب بود و نیستان شده، باز به حال عمارت آورد» (یزدی، ۱۳۸۷: ۲۱۵/۱).

امیر عبدالله پسر امیر قزغن (متوفای ۷۵۹ق) که پس از پدر در الوس جغتای به قدرت رسید، در سمرقند مستقر شد (یزدی، ۱۳۸۷: ۲۵۹/۱). امیرحسین نیز در سال ۷۶۹ق، بلخ را به عنوان محل استقرار خود انتخاب کرد و در آن حصار و خندق ساخت (شامی، ۱۳۶۳: ۵۲؛ یزدی، ۱۳۸۷: ۳۷۳-۳۷۴). امیر تیمور پس از جلوس بر تخت حکومت، در سال ۷۷۱ق. عازم سمرقند شد و آنجا را به قول یزدی «پایتخت ساخت و به بنای قلعه و حصار و انشای عمارات عالی و قصور زرنگار فرمان داد» (یزدی، ۱۳۸۷: ۴۰۸/۱). اگر بزرگان جامعه قبایلی الوس جغتای به اهمیت شهرها و سودمند بودن برقراری ارتباط با آنها پی نبرده بودند و همچنان به

مانند عصر جغتای نگاه منفی نسبت به شهر و شهرنشینی داشتند، بعید بود که امیر تیمور به استقرار در سمرقند و توجه به شهرها اقدام کند. به نظر می‌رسد همزمان با قدرت گرفتن امیر تیمور، بدبینی جغتاییان نسبت به شهر و زندگی یکجانشینی در حال کاهش بود. امیر تیمور در مخالفت با تصمیم امیرحسین برای استقرار در بلخ گفته بود «ولایت خود را گذاشتن و ولایت بیگانه را معمور ساختن از طریق عقل دورست» (شامی، ۱۳۶۳: ۵۲). بنابراین امیر تیمور نیز با نفس استقرار در شهر مخالفت نداشت. شاید علت دیگر مخالفت امیر تیمور با این تصمیم امیرحسین آن بود که نمی‌خواست رقیب اصلی‌اش با استقرار در یک شهر، به قدرت خود رسمیت ببخشد و شالوده‌های یک حکومت را پایه‌گذاری کند؛ زیرا مشاهده می‌شود که امیر تیمور پس از پیروزی بر امیرحسین و تسلط بر بلخ، به قول شامی «قلعه و حصار را ویران کردند و عمارت‌ها را از بیخ برکنند» (شامی، ۱۳۶۳: ۶۱). شاید امیر تیمور با این اقدام قصد داشت نشانه قدرت گرفتن امیرحسین را از میان ببرد و با انتخاب سمرقند به عنوان محل استقرار خود و تلاش برای آبادانی آن، قطعی شدن حکومت و قدرت خود را معرفی کند.

فتوحات امیر تیمور (متوفای ۸۰۷ق) به برخی شهرها آسیب رسانید، اما او به شهرها و آبادانی آنها اهمیت می‌داد. امیر تیمور با اهمیت و کارکردهای شهر آشنا بود (شامی، ۱۳۶۳: ۳۵). یزدی بر این باور بوده است مناطقی که توسط امیر تیمور فتح شده بودند، از روزگار سابق آبادان‌تر و ایمن‌تر شدند (یزدی، ۱۳۸۷: ۲۲۱/۱). کوشش برای آبادانی و شکوفایی اقتصادی و فرهنگی سمرقند، نشانه اهمیت قائل شدن امیر تیمور برای شهر است. علاقه امیر تیمور به آباد کردن سمرقند سرمشقی شد برای بستگان وی که در شهرها به اقدامات عمرانی مبادرت ورزند (خوندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۴-۱۶۶). تمایل تیموریان به شهرنشینی موجب شد زندگی چادرنشینی جغتاییان بر زندگی شهرنشینی مسلط نشود.

در دوره جانشینان امیر تیمور به زندگی شهری توجه بیشتری شد (یوسف‌جمالی، میرجعفری و کلانتر، ۱۳۹۴: ۱۸۶). گزارش‌های خواندمیر نشان می‌دهد که امرا و بستگان شاهرخ (متوفای ۸۵۰ق) در آباد کردن شهرها پرتلاش بودند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۶-۱۶۹). شاهرخ و بستگانش هرات را به یکی از آبادترین شهرها تبدیل کردند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۱۱-۱۳؛ همو، ۱۳۷۲: ۱/۱، ۳۹۰، ۵۷۸-۵۸۰؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۶/۵۲۷۳؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۳۲/۳-۱۳۵، ۲۱۲). کوشش شاهرخ در آباد کردن هرات، سرمشقی برای طبقات گوناگون مردم شد و هر کس در حد بضاعت خود در راه آبادانی هرات اقدام کرد (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۱۳-۱۴). نمونه‌ای از توجه و علاقه شاهرخ به موضوع شهر و آبادانی آن، کوشش وی در زمینه بازسازی و عمران شهر مرو بوده است که از زمان حمله مغول به ویرانه‌ای تبدیل شده بود

(حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۱/۳۳۷-۳۳۹). منابع تأکید دارند آبادانی‌ای که در زمان سلطان حسین بایقرا (متوفای ۹۱۱ق) در خراسان انجام شده، در زمان هیچ فرمانروایی صورت نگرفته است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۳-۱۷۹؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۶۸/۷). مساجد، مدارس و خانقاه‌های فراوانی در هرات دوره سلطان حسین بایقرا وجود داشت. خواندمیر درباره تعداد مساجد هرات در این زمان نوشته است: «در درون این بلده میمون، مساجد از حد و حصر و احصاء متجاوز است و خامه دوزبان از تحریر جمیع آنها عاجز» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۳). برخی کارگزاران حکومتی نیز در شهرها به فعالیت‌های عمرانی همت گماشتند (جعفری، ۱۳۴۳: ۶۴-۶۵؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۶۳۱۹/۷؛ سمرقندی، ۱۳۸۲: ۵۰۵-۵۰۶؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۹۰-۹۲). اشراف و بزرگان محلی نیز در آباد کردن شهرها فعال بودند. آنان با ساختن بناهای شخصی، عمومی و عام‌المنفعه بر امکانات شهر می‌افزودند و رفاه مردم را افزایش می‌دادند و امکان ترقی شهر خود را فراهم می‌کردند. اشراف یزد نمونه‌ای برجسته در این زمینه بودند (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۷۹/۱-۱۸۷؛ جعفری، ۱۳۴۳: ۸۰-۱۱۰؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۰۴).

توجه تیموریان به شهر و زندگی شهری، حیات اجتماعی شهرها را تحت تأثیر قرار داد. این توجه موجب آبادانی و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی شهرهای مهم قلمرو تیموریان نظیر سمرقند و هرات شد. رونق اقتصادی هرات در زمان سلطان حسین بایقرا به گونه‌ای بود که انواع کالاها در آنجا تولید می‌شد و علاوه بر بازار اصلی شهر، از بیرون دروازه‌های شهر تا انتهای سوادشهر که نزدیک به یک فرسنگ بود، بازارهایی وجود داشت (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱/۲۳-۲۴، ۷۸). مشهد در نتیجه عنایت تیموریان از نظر اجتماعی و اقتصادی شکوفا شد (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۶۲-۶۳). بنا بر تصریح منابع، یزد در زمان شاهرخ درخشان‌ترین دوره خود را سپری کرد و مردم از رفاه برخوردار بودند (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۸-۲۰؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸، ۱۷۴). شیراز، اصفهان و کرمان نیز شهرهایی غنی و پررونق بودند (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۸۲-۸۳). شیلت برگر درباره تبریز نوشته است: «مهم‌ترین شهر سراسر پادشاهی ایران تبریز نام دارد. پادشاه ایران درآمد زیادی از این شهر به دست می‌آورد. این درآمد بیش از آن چیزی است که قوی‌ترین پادشاهان دنیای مسیحیت کسب می‌کنند؛ زیرا بازرگانان زیادی به این شهر می‌آیند (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۸۰). شهرهای مهم قلمرو تیموریان وسیع و پرجمعیت بودند. هرات در روزگار سلطان حسین بایقرا شهر بزرگی بود که ۱۴۹ برج داشت (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱/۷۸-۷۹). سمرقند و تبریز در زمان امیر تیمور بسیار پرجمعیت بودند (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۹۱؛ جوادی، ۱۳۵۲: ۱۶۲). تعداد کشته شدگان هرات و بلوکات آن را در طاعون سال ۸۳۸ق. یک میلیون نفر برآورد کرده‌اند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۹۴/۲). گرچه این

رقم اغراق‌آمیز است، اما بیانگر جمعیت فراوان هرات است. شیلت برگر نیز هرات را شهری بزرگ و پرجمعیت معرفی کرده و گفته است این شهر سیصد هزار خانه را در خود جای داده است (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۸۲). این جمعیت فراوان نشانه‌ای از شرایط مناسب اقتصادی و رونق زندگی اجتماعی در شهرهای مهم قلمرو تیموریان بوده است. از مسائل مهم در ارتباط با حیات اجتماعی شهرها، مهاجرت و گاه کوچاندن مردم به شهرهای آباد بود. در زمان امیر تیمور جمعیت فراوانی از ملل گوناگون در سمرقند زندگی می‌کردند (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۹۱).

۲. تأثیر گروه‌ها و طبقات شهری بر حیات اجتماعی شهر

در جامعه عصر تیموری گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی وجود داشت. دوانی جامعه را به چهار صنف اهل علم، اهل شمشیر، اهل معامله و اهل زراعت تقسیم کرده است (دوانی، ۱۳۹۳: ۲۵۷-۲۵۸). براساس گزارش تزوکات، امیر تیمور سلطنت خود را بر دوازده گروه و طبقه اجتماعی متکی کرده بود (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۲۰۴-۲۱۴). به‌طور معمول جامعه عصر تیموری را به دو طبقه اصلی لشکریان و عامه مردم یعنی پیشه‌وران و کشاورزان تقسیم می‌کنند و دو طبقه روحانیون و دیوانیان را نیز در کنار آنها قرار می‌دهند (پارشاطر، ۱۳۸۳: ۸). در این پژوهش فرمانروایان و خاندان سلطنت، امرا، دیوانیان، شخصیت‌های دینی، تجار و عامه مردم به عنوان اصلی‌ترین طبقات و گروه‌های جامعه شهری در نظر گرفته شده‌اند.

۲-۱. فرمانروایان و خاندان سلطنت

فرمانروایان و اعضای خاندان سلطنت در رأس جامعه قرار داشتند. رفتار آنان با شهرنشینان بر حیات اجتماعی شهرها تأثیر داشت. تسلط و نظارت بر شهرها به دلیل کارکردهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی شهر، برای فرمانروایان حائز اهمیت بود. به صورت نظری رعایت حقوق مردم از جانب حاکمان به عنوان یک اصل - که در سامان دادن به جامعه مؤثر است - مطرح بود (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۲۲۰/۲-۱۲۲۲؛ نجم رازی، ۱۳۸۹: ۴۳۲؛ دوانی، ۱۳۹۳: ۲۶۶). برای نمونه، شاهرخ توصیه می‌کرد میان قوی و ضعیف و وضع و شریف و بعید و قریب تفاوت قائل نشوند و با خلایق که امانت خالق‌اند، به عدل و مرحمت رفتار کنند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۳۰۹/۱-۳۱۵). همچنین شاهرخ به امیرزاده محمدجهانگیر توصیه می‌کرد: «بذل عاطفت را درباره رعایا وسیلت تحصیل رضای ایزد عز و علا سپارد» (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۳۱۶/۱). امیر علیشیر نوایی دلجویی از عجزه و زبردستان را به حکومتگران توصیه می‌کرد (مؤید ثابتی، ۱۳۴۶: ۴۱۵). مؤلف *روضه الصفا* درباره توجه سلطان حسین بایقرا به مردم نوشته

است: «همت عالی نهمت خاقان کامل حشمت همواره برتر فیه حال عباد و تعمیر بلاد مصروف بود» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۹۰۷/۷).

عدالت مسئله‌ای مهم در حیات اجتماعی شهرها بود. روایات متعددی درباره دلبستگی تیموریان به اجرای عدالت و حمایت از اقشار گوناگون مردم وجود دارد (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۱۶۴؛ واصفی، ۱۳۴۹: ۱۶۳/۲-۱۶۶؛ شامی، ۱۳۶۳: ۱۶۷؛ یزدی، ۱۳۸۷: ۹۸۵/۱، ۱۲۲۶/۲، ۱۲۵۵). در سال ۸۱۷ق. شاهرخ به امیرزاده بایقرا توصیه کرده بود: «به عدل و داد همت بر آرایش و آسایش جهانیان مصروف دارد» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۰۰/۳). رابطه دوستانه حکومتگران با شهرنشینان به بهبود حیات اجتماعی شهرها می‌انجامید؛ زیرا موجب برقراری امنیت و آرامش می‌شد و زمینه‌ساز رونق و شکوفایی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه بود. به علت توجه سلطان حسین بایقرا به مسائل فرهنگی، وضعیت فرهنگی هرات در زمان او شکوفا شد و طالبان علم، دانشمندان و ارباب فضل بسیاری در آن شهر گرد آمدند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۱۱/۲). توجه و عنایت سلطان حسین بایقرا نسبت به مردم و رعایت انصاف موجب شد مردم هرات به زراعت و عمارت در اطراف شهر مشغول شوند؛ به گونه‌ای که هر چه اراضی موات بود با احداث نه‌ها و قنات‌ها احیا شد (همو، همان، ۳۷۴-۳۷۵). برخی حکام در رفع مشکلات شهر و مردم و بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی شهر تحت اداره خود کوشا بودند (همان، ۳۷۱؛ شامی، ۱۳۶۳: ۱۴۵). هنگامی که امیرزاده پیرمحمد از جانب امیر تیمور حاکم فارس شد، به بهبود اوضاع شیراز اقدام کرد. شامی در این باره نوشته است: «شیراز بیمن مقدم شریفش آمن و معمور شد و مردم بعیش و فراغ نزدیک و از محنت و بلا دور» (همان، ۱۴۹).

البته همیشه فرمانروایان و اعضای خاندان سلطنت برای بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم شهرها اقدام نمی‌کردند. امیر تیمور در سال ۷۸۹ق. کشتار گسترده‌ای در اصفهان انجام داد. آن‌گونه که شیلت برگر روایت کرده، حتی بر کودکان نیز رحم نکرد و پس از کشتار به تخریب شهر پرداخت (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۶۴-۶۵). غارت و مصادره اموال مردم در دوره جانشینان امیر تیمور نیز بارها انجام شده است. سمرقندی به نمونه‌ای از آنها اشاره کرده است (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۳۲/۳-۳۳). بنابراین می‌توان استنباط کرد که گاهی فرمانروایان و صاحبان قدرت با رفتار خود حیات اجتماعی شهرها را با مخاطرات جدی مواجه می‌کردند. آشفته‌گی سیاسی، موقعیت اقشار گوناگون جامعه و نظم حاکم بر زندگی مردم را به خطر می‌انداخت و حیات اجتماعی شهرها را پریشان می‌کرد. این موضوع بعد از وفات امیر تیمور و درگذشت شاهرخ بسیار مشهود بوده است (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۱۰/۲-۲۱۲؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲).

۵۰ / تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر شکل‌دهی حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان / کامبیز امیراسمی و ...

۲۸/۱-۳۱؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۷۹۳/۴-۷۹۵؛ جعفری، ۱۳۹۳: ۶۵-۶۶). بنابراین وجود فرمانروایان قدرتمند و برقراری آرامش سیاسی، بر بهبود حیات اجتماعی شهر مؤثر بود. با توجه به اینکه فرمانروا و خاندان سلطنت اصلی‌ترین صاحبان قدرت بودند، نگاه و رفتار آن‌ها نسبت به مردم بر چگونگی حیات اجتماعی شهرها تأثیر مستقیم داشت.

۲-۲. دیوانیان

دیوانیان به سبب برعهده گرفتن اداره امور شهرها نقش مؤثری در حیات اجتماعی شهرها داشتند. حفظ نظم جامعه به وجود دیوانیان متکی بود. دیوانیان با گروه‌هایی نظیر شخصیت‌های دینی، تجار، مالکان و صاحبان قدرت ارتباط برقرار می‌کردند (لمبتن، ۱۳۹۲: ۳۲۳-۳۲۴). عده‌ای از دیوانیان به اقدامات عمرانی دست می‌زدند و بر امکانات شهرها می‌افزودند. خواجه قطب‌الدین طوس سمنانی که در دوران بابر و سلطان ابوسعید مقام وزارت داشت، در زمینه آباد کردن هرات اقداماتی انجام داد (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۳۸۱-۳۸۷). امیر علیشیر نوایی در خراسان حدود ۳۷۰ مسجد و مدرسه و اماکن عام‌المنفعه تعمیر یا بنا کرد (براون، ۱۳۳۹: ۷۴۳/۳). دیوانیان غالباً از خاندان‌های بانفوذ شهری بودند و بدین سبب با خصوصیات زندگی شهری به خوبی آشنایی داشتند. رفتار دیوانیان به‌ویژه در حوزه مسائل مالی، حیات اجتماعی شهرها را تحت تأثیر قرار می‌داد. برای نمونه، برخی از دیوانیان در زمینه‌های مالی گهگاهی مردم را تحت فشار قرار می‌دادند (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۳۶۵، ۴۵۳-۴۵۴؛ روملو، ۱۳۸۴: ۶۲۲/۲، ۶۳۵). در اداره امور شهرها افرادی نظیر داروغه‌ها، کلاترها و کلویان دیوانیان را یاری می‌دادند. از آنجا که این افراد در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشتند و در ارتباط با مردم بودند، در حیات اجتماعی شهرها اهمیت فراوان داشتند. در منابع عصر تیموری از داروغه به عنوان حاکم شهر یاد شده است (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۳۳۰؛ واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۱۸۶؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۴۶۶/۶). برای نمونه، امیر تیمور در سال ۷۹۵ق. داروغه‌گی ساری را به جمشید قارن تفویض کرد (یزدی، ۱۳۸۷: ۱/۶۹۳). داروغه مسئول برقراری نظم در شهر بود و مراقبت می‌کرد که رعیت مورد تعدی و سوء استفاده قرار نگیرند. در زمان امیر تیمور پس از سرکوب شورش ابوسعید طوسی در یزد «تموک قوچین که داروغه آنجا بود با نوکران خود به شهر درآمده لشکریان را نگذاشت که متعرض مردم شوند» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۷۲۷/۲). پس از کشته شدن سلطان ابوسعید در سال ۸۷۳ق، سلطان حسین بایقرا، امیر شیخ ابوسعیدخان را به عنوان داروغه به هرات فرستاد. او نیز منادی فرمود: «هیچکس مزاحم و متعرض کسی نشود و یکی را بعلت دیگری نگیرند و تعرض نرسانند» (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۰۶/۲). آن‌گونه که

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۵۱

در تزوئات آمده است، اگر داروغه رعیت را مورد تعدی قرار می‌داد، مجازات می‌شد (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۲۵۰).

کلویان و کلانتران ریاست و اداره محلات شهرها را برعهده داشتند. امیر تیمور در سال ۷۹۵ق. در بیرون شیراز مستقر شد. به روایت یزدی «جمعی از ارکان دولت به شهر درآمدند و از مجموع کلویان و کلانتران محلات، مچلکاه بازستده به عز عرض همایون رسانیدند» (یزدی، ۱۳۸۷: ۷۱۷/۱).

گزارش منابع نشان می‌دهد که کلانتران از پیشوایان و رؤسای مهم شهری به شمار می‌آمدند (صفی، ۱۳۳۶: ۲۶۲؛ زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۸۲/۲). گویا مقام کلانتر بیشتر به اشراف و سادات تعلق داشت (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۲۴۴/۳). کلویان و کلانتران در مسائل مربوط به شهر و تصمیم‌گیری‌ها معمولاً نقش عمده و مهمی برعهده داشتند. در سال ۸۱۲ق. امیرزاده پیرمحمد پسر عمر شیخ کشته شد. به گفته حافظ‌ابرو، اهل شیراز «با امیرزاده اسکندر بیعت نموده و مجموع خاص و عام شهر بتخصیص خواجه علاءالدین محمد که کلانتر کلویان و سرداران شیراز بود نیز یک جهت شدند و به ضبط دیوار قلعه و بارو مشغول شدند» (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۳۴۲/۱).

در سال ۸۱۶ که شاهرخ برای سرکوب امیرزاده اسکندر حرکت کرده بود، اهل شیراز به سرکردگی کلو علاءالدین و خواجه محمود یزدی و سلیمان‌شاه قصاب علیه امیرزاده اسکندر و در حمایت از شاهرخ سر به شورش برداشتند (جعفری، ۱۳۹۳: ۶۱-۶۲). سمرقندی نیز درباره همین رویداد به صراحت به نقش کلویان و کلانتران شیراز اشاره کرده است (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۹۳/۳). کلویان و کلانتریان در جمع‌آوری وجوه مورد نیاز حکومت از محلات، نقش و مسئولیت اصلی را برعهده داشتند. در سال ۷۸۹ق. که امیر تیمور به شیراز آمده بود، به روایت یزدی «تمام اصول و کلانتران و کلویان به احراز سعادت زمین بوس شتافتند و بعد از اقامت رسم خاکبوسی یک هزار تومان کپکی قبول کردند که به خزانه امانی فرود آورند» (یزدی، ۱۳۸۷: ۵۹۰/۱).

۲-۳. امرا

بسیاری از امرا در امور کشوری و اداری فعالیت داشتند و به همین دلیل با جامعه و زندگی روزمره مردم در ارتباط بودند. گاهی امرا به حکومت شهرها منصوب می‌شدند و به‌طور مستقیم بر حیات اجتماعی شهرها تأثیر می‌گذاشتند. برای نمونه، شاهرخ در سال ۸۲۳ق. امیر چقماق را حاکم یزد کرد. افرادی نظیر امیر چقماق با اقدامات عمرانی وسیع خود اوضاع اجتماعی،

۵۲ / تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر شکل‌دهی حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان / کامبیز امیراسمی و ...

اقتصادی و فرهنگی شهرهای محل استقرار خود را بهبود بخشیدند. تاریخ‌های محلی یزد به تفصیل اقدامات عمرانی امیر چقماق در یزد را بیان کرده‌اند (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱/۱۷۰-۱۷۲، ۱۷۴-۱۷۸؛ جعفری، ۱۳۴۳: ۶۴-۶۵؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۹۰-۹۲). برخی از امرا در زمینه مسائل اقتصادی نیز فعال بودند. امیر «علیکه کوکلتاش» که از امرای بزرگ شاهرخ بود، به قول روملو «امیر عادل و خیراندیش بود و تخم کشت او در سال از صدهزار خروار در گذشته بود» (روملو، ۱۳۸۴: ۱/۳۸۷). بی‌گمان این نوع فعالیت‌ها بر زندگی مردم و حیات اجتماعی شهرها تأثیرگذار بود. برخی از امرا نظیر علیکه کوکلتاش ارتباط نزدیکی با مردم داشتند (صفی، ۱۳۳۶: ۱۰۲). تلاش برای بهبود زندگی مردم و رفع مشکلات آنها مورد توجه بعضی از امرا بود. امیر جلال‌الدین فیروزشاه از امرای بزرگ شاهرخ، به امور طبقات مختلف مردم نظیر سادات، علما، مشایخ، فقرا و مساکین رسیدگی می‌کرد (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳/۶۳۱). امرایی که حاکم شهرها می‌شدند، عهده‌دار اداره شهر و تأمین امنیت آن بودند. موضوع امنیت و چگونگی اداره شهرها، بر حیات اجتماعی شهرها تأثیرگذار بود. بنابراین آنها به عنوان بخشی از ساختار قدرت محلی، بر حیات اجتماعی شهرها تأثیر می‌گذاشتند.

۲-۴. شخصیت‌های دینی

شخصیت‌های دینی بخش مهمی از امور جامعه نظیر قضاوت، امر به معروف و نهی از منکر، اوقاف و تدریس را که با زندگی مردم در ارتباط بود، اداره می‌کردند؛ به همین دلیل آنها دارای نقش و اهمیت اجتماعی بودند. از مندرجات کتاب *روضه‌الصفاء* برمی‌آید که شخصیت‌های دینی در عصر تیموریان فراوان بوده‌اند (میرخواند، ۱۳۸۰: ۷/۵۹۴۰-۶۰۰۹). در این نوشتار، شخصیت‌های دینی به سه دسته علمای شرع، سادات و مشایخ تصوف تقسیم شده‌اند. صدر، شیخ‌الاسلام، قاضی، محتسب، نقبا و واعظان اصلی‌ترین چهره‌های علمای شرع بودند. صدر به دلیل وظایفش ارتباط نزدیکی با حکومت داشت. مهم‌ترین وظایف صدر رسیدگی به امور موقوفات و تمشیت امور سادات و علما و فضلا و رواج دادن به بقاع خیر و ابواب‌البر بود (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳/۶۳۹؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۷/۵۹۲۷). از آنجا که صدر با موقوفات و مسائل مالی در ارتباط بود، فرمانروایان بر عملکرد آنها دقت و نظارت داشتند. مولانا قطب‌الدین محمد الخوافی از صدرهای زمان سلطان حسین بایقرا، یک بار توسط سلطان مقید و جریمه شد (نوائی، ۱۳۷۹: ۱۷۷).

وظیفه شیخ‌الاسلام تقویت ارکان شریعت بود. معمولاً آنها علاوه بر علم، جاه و جلال و ثروت دنیوی هم داشتند (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۴/۳۵). برخی قاضیان علاوه بر کار قضاوت، به امر

درس و فتوا نیز می‌پرداختند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۰۸؛ نوائی، ۱۳۷۹: ۱۶۹؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۹۴۸/۷). برخی اوقات که شهرها با مشکلات سیاسی یا نظامی روبه‌رو می‌شدند، قاضیان در نقش رؤسا و رهبران مردم نقش‌آفرینی می‌کردند. قاضی احمد صاعدی در جریان درگیری‌های میان فرزندان عمر شیخ در اصفهان، چنین نقشی ایفا کرد (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۲۳۹/۶، ۵۲۴۳-۵۲۴۴). آنها در رفع کدورت‌ها و اختلافات سیاسی و اجتماعی کوشا بودند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۵۴۰/۱). فرمانروایان تیموری غالباً برای قاضیان احترام قائل بودند. قاضی قطب‌الدین احمد الامامی که منصب قضای هرات را برعهده داشت، مورد احترام فراوان سلطان حسین بایقرا بود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۰۵). نحوه عمل و رفتار قاضیان تأثیر مستقیمی بر چگونگی حیات اجتماعی شهرها داشت. امیر تیمور به امر حسبت توجه داشت (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۵۲۹/۳). حمایت فرمانروایان از محتسبان موجب شده بود آنها موقعیت نسبتاً مستحکمی داشته باشند (زمجی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۷۲/۲-۳۷۳). اعتبار و جایگاه محتسبان به اندازه‌ای بود که آنان حتی به خود اجازه می‌دادند امر به معروف و نهی از منکر را نسبت به حکام نیز اجرا کنند. سید عاشق محتسب سمرقند، الغیبیگ را به دلیل استفاده از شراب در مجلس جشن، سرزنش کرد (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳۵/۴). تأثیرگذاری محتسبان بر حیات اجتماعی شهرها فقط منحصر به موضوع نظارت بر رعایت احکام شریعت نبود. آنها بر عملکرد اهل بازار به‌خصوص پیشه‌وران نظارت داشتند. مولانا کمال‌الدین شیخ حسین محتسب هرات در زمان سلطان ابوسعید، به قول خواندمیر «دایم‌الاقوات همت بر استکشاف حالات صنایع و محترفات می‌گماشت» (همو، همان، ۱۰۸).

نقبا از سادات بودند و بر سادات نظارت داشتند (همان، ۳۳۳). تعامل با نقبا برای فرمانروایان تیموری بسیار اهمیت داشت؛ زیرا آنها واسطه ارتباط با جامعه مهم سادات بودند. علاوه بر آن، نظارت نقبا بر سادات و مسائل مالی و نسبی مربوط به آنان، اعتبار و جایگاه ویژه‌ای به منصب نقیب می‌داد. واعظان ارتباط مستقیمی با توده‌های مردم داشتند؛ به همین دلیل فرمانروایان تیموری به آنها اعتنا و توجه می‌کردند. برخی واعظان به سبب برعهده گرفتن امور دیوانی با حکومت در ارتباط بودند. خواجه احمد فرنخودی در زمان شاهرخ هم وعظ می‌گفت و هم عمل دیوان می‌کرد (صفی، ۱۳۳۶: ۱۰۴). در عصر تیموریان سادات جایگاه، اعتبار، اهمیت و احترام قابل توجهی نزد حکام و اقشار گوناگون جامعه داشتند. آنها با برعهده گرفتن وظایف دینی و گاهی حکومتی، بر اوضاع اجتماعی جامعه تأثیر می‌گذاشتند. سید فخرالدین محمد سال‌ها وزارت شاهرخ را برعهده داشت (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۳۴۵-۳۴۶). سادات مورد توجه و احترام امیر تیمور بودند. به قول میرخواند «و حضرت صاحبقرانی در تعظیم و احترام

۵۴ / تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر شکل‌دهی حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان / کامبیز امیراسمی و ...

سادات عظام به اقصی الغایه می‌کوشید» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۶/۶۷۶). سادات نزد جانشینان امیر تیمور نیز جایگاه ارزشمندی داشتند. شاهرخ آنها را بسیار مورد لطف قرار می‌داد (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۲/۶۲۱-۶۲۲؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۳/۲۰۳).

در دوره تیموریان تصوف از عناصر مهم حیات اجتماعی بود و بخش عمده‌ای از مردم به آن گرایش داشتند. امیر تیمور تمایل داشت مورد تأیید مشایخ تصوف قرار گیرد؛ به همین دلیل روابط دوستانه‌ای با آنها داشت (خوافی، ۱۳۳۹: ۳/۱۱۷؛ مجهول المؤلف، ۱۳۵۰: ۲۵-۲۶؛ ابن‌عرب‌شاه، ۱۳۷۳: ۶، ۱۸-۱۹). جانشینان او نیز به صوفیان محبت داشتند. مشایخ تصوف مریدان فراوان داشتند. آنها با وارد کردن اقشار گوناگون جامعه به عرصه تصوف، بر حیات اجتماعی شهرها تأثیر می‌گذاشتند. مشایخ کارکردهای عقیدتی، سیاسی و اجتماعی مهمی داشتند. برای نمونه، عبیدالله احرار (متوفای ۸۹۵ق) در مسائل سیاسی و نظامی روزگار خود دخالت می‌کرد؛ زیرا فرمانروایان برای او احترام قائل بودند (واعظ کاشفی، ۲۵۳۶: ۲/۵۲۰-۵۲۱؛ نظامی باخرزی، ۱۳۷۱: ۱۹۶-۱۹۸). مشایخی نظیر احرار ثروت فراوانی داشتند (واعظ کاشفی، ۲۵۳۶: ۲/۴۰۴-۴۰۵). آنها از ثروت خود برای کمک به فقرا استفاده می‌کردند (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰: ۶۶) و به این ترتیب تأثیر اجتماعی خود را افزایش می‌دادند. آرای صوفیه در فرهنگ و آداب و تربیت مردم تأثیر داشت. صوفیان به نوعی تکیه‌گاه عامه بودند و با طبقات گوناگون مردم در ارتباط بودند؛ به‌ویژه پیشه‌وران و بازاریان به آنها علاقه داشتند. بخشی از صوفیان پیشه‌ور و بازاری بودند (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۶۶).

جایگاه دینی ممتاز، اعتبار و نفوذ اجتماعی و محترم بودن شخصیت‌های دینی نزد حکام موجب شده بود آنان گاهی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهرها دخالت کنند. در زمان شاهرخ، قاضی نظام‌الدین احمد صاعدی نقش مؤثری در مسائل سیاسی اصفهان داشت و به قول میرخواند «صاحب اختیار آن مملکت بود» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۶/۵۲۴۳). در منابع عصر تیموری موارد متعددی دیده می‌شود که در درگیری‌های سیاسی و نظامی برای رفع مشکلات، معمولاً از شخصیت‌های دینی به عنوان واسطه استفاده می‌کردند (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳/۵۹۵-۵۹۶؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۱/۳۱؛ جعفری، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۷). برخی شخصیت‌های دینی حتی اداره و حکومت بعضی مناطق را در دست داشتند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۳/۵۳۳؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۲۲۶؛ جعفری، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۹). سید عمادالدین محمود جنابدی از شخصیت‌های دینی زمان شاهرخ، حکومت بلخ را برعهده داشت (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۳۶۲-۳۶۳). شخصیت‌های دینی گاهی در رقابت‌های سیاسی ارکان حکومت نقش‌آفرینی می‌کردند. مولانا شمس‌الدین عرب مردم هرات را علیه میرزا ابوالقاسم بابر و به هواداری از میرزا علاءالدوله دعوت می‌کرد

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۵۵

(سمرقندی، ۱۳۸۳: ۷۶۸-۷۶۹/۴). آنها در حوزه مسائل سیاسی و کشورداری می توانستند از حکام درخواست‌هایی داشته باشند. در سال ۸۱۷ق. سادات، علما و مشایخ شیراز از بایقرا پسر عمرشیح درخواست کرده بودند مطیع شاهرخ شود و شهر را به او تحویل دهد (جعفری، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۷). گاهی شخصیت‌های دینی خواسته‌های مردم را به اطلاع حکام می‌رساندند و در حد امکان از حقوق آنها دفاع می‌کردند (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۳۸۲-۳۸۳).

۲-۵. بازاریان

با تقسیم فعالیت‌های اقتصادی در دو بخش تولید و تجارت، می‌توان اهل بازار را به دو دسته تجار و پیشه‌وران تقسیم کرد. بازاریان به عنوان اصلی‌ترین عناصر اقتصاد شهری که علاوه بر کارکرد اقتصادی در حوزه‌های اجتماعی، فکری و سیاسی نیز در جامعه شهری تأثیرگذار بودند، در حیات اجتماعی شهرها جایگاه و موقعیت قابل‌اعتنایی داشتند.

۲-۵-۱. تجار

به سبب اهمیت و اعتبار اجتماعی تجار، آنان علاوه بر کارکرد اقتصادی، در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی نیز تأثیرگذار بودند. حکومت گاهی از آنها به عنوان سفیر استفاده می‌کرد (نوائی، ۱۳۷۰: ۱۷۹-۱۸۱). در طول عصر اسلامی آنها معمولاً در امور خیریه و مسئله وقف مشارکت داشتند (نجم رازی، ۱۳۸۹: ۵۲۵-۵۲۷). علاوه بر این، با تأمین نیازهای اقتصادی مردم و فراهم آوردن زمینه فروش کالاها و محصولات آنان، بر زندگی روزمره آنها تأثیرگذار بودند. برخی تجار اقدامات عمرانی انجام می‌دادند و بر امکانات و رفاه شهر خویش می‌افزودند. در منابع تاریخ یزد به مواردی از این دست اشاره شده است (جعفری، ۱۳۴۳: ۶۰-۶۱؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۸، ۱۰۷-۱۰۹، ۱۹۸). آنچه که جایگاه تجار در جامعه را افزایش می‌داد، اهمیت تجارت در عصر تیموریان بود. در قرن نهم قمری تجارت شغل و فعالیتی مهم و معتبر بود (شجاع، ۲۵۳۵: ۱۱۸). راه‌های مهم بازرگانی از قلمرو تیموریان عبور می‌کرد؛ به همین دلیل برخی شهرهای قلمرو تیموریان نظیر سمرقند، هرات و شیراز اهمیت تجاری یافتند. شهری مانند هرمز یک مرکز تجاری عمده منطقه‌ای بود (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۵۱۳/۳-۵۱۴). از هرمز به هند می‌رفتند و کالاهای بسیار از هند به آنجا می‌آمد. در هرمز سنگ‌های قیمتی زیادی یافت می‌شد (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۸۳). شهرها عمده‌ترین مکان تجارت بودند و رشد تجارت با رشد شهرنشینی ارتباط مستقیم داشت. اهمیت تجارت باعث می‌شد تجار جزء گروه‌های مؤثر جامعه به شمار آیند.

امیر تیمور به گسترش تجارت توجه کرد. از نشانه‌های این توجه احداث بازار در سمرقند بود (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۸۱-۲۸۲). کلاویخو تأکید کرده که: «پیوسته تیمور پشتیبان بازرگانی و داد و ستد بوده است تا بدین گونه پایتخت خویش را یکی از شهرهای مهم و عمده کند» (همان، ۲۹۰). او در نامه خود به شارل ششم پادشاه فرانسه تأکید کرد که دنیا به تجار آباد است (نوائی، ۱۳۷۰: ۱۲۸). امیر تیمور در پیغام به فرمانروای ممالیک نیز بر برقراری رابطه دوستانه بین دو طرف تأکید کرد تا در نتیجه آن «اهل تجارت که معموری عالم از ایشان است بی‌دغدغه و تردید آمد و شد توانند نمود» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۱/۶/۴۸۰).

شاهرخ حمایت از تاجران را وظیفه خود می‌دانست (مؤید ثابتهی، ۱۳۴۶: ۳۶۵-۳۶۷). او حاکمان را به رعایت انصاف و عدالت در ارتباط با تجار توصیه می‌کرد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۰۰/۳). شاهرخ اعتقاد داشت رونق تجارت و رفت‌وآمد تجار باعث آبادانی مملکت می‌شود (نوائی، ۱۳۷۰: ۱۳۴-۱۳۵). از نشانه‌های توجه او به تجارت و کسب و کار، مرمت و بازسازی بازار هرات است (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۳۲/۳). سیاست حمایت از تجار و ایجاد بازارها، در عهد سلطان حسین بایقرا نیز ادامه یافت (رحمتی و یوسفوند، ۱۳۹۲: ۸۸-۹۰). تولید کالا یا محصولی خاص در یک شهر، بر اقتصاد و حیات اجتماعی آن و رونق فعالیت تجار در آن زمینه تأثیرگذار بود. برای نمونه، آستارا در زمینه تولید ابریشم چنین وضعیتی داشت (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۶۷). وضعیت مالی تجار به گونه‌ای بود که گاهی حکام از آنها پول قرض می‌گرفتند. در سال ۸۶۶ق. سلطان ابوسعید برای مخارج سپاهیان خود دستور داد «از تجار چیزی برسم قرض گرفته در وجه یراق لشکر نشانند» (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲/۲۵۷). گروه‌هایی نظیر حکام، امرا، دیوانیان، شخصیت‌های دینی و تجار طبقه بزرگان جامعه شهری را تشکیل می‌دادند. آنها به سبب کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فکری بر روند حیات اجتماعی شهر تأثیر می‌گذاشتند.

۲-۵-۲. پیشه‌وران

تیموریان با بها دادن به شهر و اقتصاد شهری، زمینه پویایی پیشه‌وران را فراهم کرده بودند و به واسطه حمایت از پیشه‌وران، صنایع شهری را احیا کردند. گزارش‌های تاریخی از حضور گسترده پیشه‌وران در شهرهای مهم قلمرو تیموریان و توجه و عنایت امیران تیموری به آنها حکایت دارد. برای نمونه، پیشه‌وران در هرات عهد سلطان ابوسعید بسیار فعال بودند و سلطان برای آنها احترام قائل بود (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۸۴/۴). در شهرهای عصر تیموری پیشه‌ها و حرف فراوان وجود داشت. سیفی بخارایی در شهر آشوب مشهور خود با عنوان صنایع البدایع

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(ع)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۵۷

بیش از ۱۳۰ شغل و کسب رایج در زمان سلطان حسین بایقرا را در قالب شعر معرفی کرده است (سیفی بخاری، ۱۳۶۶). صاحبان حرف و پیشه‌وران از تأثیرگذارترین گروه‌های جامعه بودند.

اهمیت اهل حرف نزد امیر تیمور به حدی بود که در فتوحات خود آنها را از بین نمی‌برد (شامی، ۱۳۶۳: ۲۳۷؛ یزدی، ۱۳۸۷: ۱۰۸۰/۲). در سمرقند زمان امیر تیمور پیشه‌وران فراوانی از اقوام و ملل مختلف حضور داشتند (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۹۰-۲۹۱؛ یزدی، ۱۳۸۷: ۹۸۸/۱؛ شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۶۶). وجود این پیشه‌وران موجب شده بود سمرقند به شهری تولیدی و ثروتمند تبدیل شود. کلاویخو در تأیید این موضوع گفته است: «سمرقند نه تنها از نظر مواد خوراکی بلکه از لحاظ داشتن کارخانه نیز ثروتمندست» (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۹۰). شاهرخ حمایت از پیشه‌وران را به حکام گوشزد می‌کرد. او به فرزندش بایسنقر توصیه کرد: «محترفه و پیشه‌وران را از جور و حیف محفوظ دارد و به عین عنایت ملحوظ گرداند» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۱۰/۳). سلطان حسین بایقرا در سال ۸۷۵ق. پیشه‌وران را برای مدت دو سال از برخی مالیات‌ها معاف کرد (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۷۱۴/۷).

علاقه امیر تیمور و جانشینانش به عمران شهرها و گسترش تجارت، موجب شده بود پیشه‌وران در حیات اجتماعی و اقتصادی شهرها از جایگاه مهمی برخوردار شوند. در شهرهای مهم قلمرو تیموریان مانند هرات پیشه‌وران فراوانی حضور داشتند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۳/۱-۲۴). پیشه‌وران کارکردهای اقتصادی و اجتماعی مهمی را در حیات اجتماعی شهرها برعهده می‌گرفتند. آنها تولیدکننده کالا بودند و با تشکیل اصناف، هم‌بستگی گروهی را میان خود رواج می‌دادند. شرکت در مراسم و جشن‌های عمومی و یا حکومتی از فعالیت‌های اجتماعی پیشه‌وران بود. آنها در این نوع مراسم هنرها و ساخته‌های خود را به نمایش می‌گذاشتند (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۵۲-۲۵۳؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۴۵۹/۱؛ ابن‌عربشاه، ۱۳۷۳: ۲۱۹). کالاها و محصولات وضعیت اقتصادی و صنعتی شهر را نشان می‌دادند. شکوفایی آنها بیانگر رونق زندگی اجتماعی بود. پیشه‌وران در حفظ و اشاعه بسیاری از آداب و رسوم و اخلاق شهرنشینی نقش مؤثری داشتند (کیوانی، ۱۳۷۹: ۲۷۷/۹). اهمیت اجتماعی پیشه‌وران به اندازه‌ای بود که معمولاً در مراسم استقبال از حکام، آنها در کنار بزرگان شهر حضور می‌یافتند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۰۶/۲). داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که پیشه‌وران گهگاه در مسائل سیاسی شهر خود شرکت می‌کردند (جعفری، ۱۳۹۳: ۶۲). محلات از فضاهای تأثیرگذار در حیات اجتماعی شهرها بودند. معمولاً پیشه‌وران هر صنف در محله‌های خاص خود گرد می‌آمدند (الشبخلی، ۱۳۶۲: ۶۱). بدین ترتیب، آنها در چگونگی توزیع جمعیت شهری نقش مؤثری

۵۸ / تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر شکل‌دهی حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان / کامبیز امیراسمی و ...

داشتند و زمینه‌های انسجام بین اهالی محلات را فراهم می‌کردند. ایجاد اصناف اهمیت پیشه‌وران در حیات اجتماعی شهرها را افزایش داده بود. در دوره تیموریان اصطلاح «جماعت» به عنوان مترادفی برای واژه صنف به کار می‌رفت (کیوانی، ۱۳۹۲: ۵۱).

۲-۶. توده مردم

توده مردم یا عامه، اغلب کسانی غیر از سپاهیان، کارگزاران حکومتی، علما و افراد ثروتمند بودند. کسبه، پیشه‌وران و طبقات عادی جامعه عامه مردم را تشکیل می‌دادند. این گروه‌ها منبع اصلی أخذ مالیات و ارائه کار اجباری برای حکومت‌ها بودند (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۸). در کتاب *فتوت‌نامه سلطانی* به گروه‌هایی از عامه مردم نظیر مداحان، سقاییان و حملان اشاره شده است (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۸۰، ۳۰۶). پهلوانان که در شمار عامه مردم بودند، در شهرهای دوره تیموریان حضوری پررنگ داشتند. آنها به سبب اهمیت اجتماعی جزء گروه‌های تأثیرگذار شهر به شمار می‌آمدند. فرمانروایان تیموری به تماشای رزم پهلوانان علاقه داشتند. از این رو، پهلوانان با دربار سلاطین در ارتباط بودند (کاظمینی، ۱۳۴۳: ۵۲-۵۵). توجه تیموریان به پهلوانان به گونه‌ای بود که حتی گهگاه به آنها مقام و منصب واگذار می‌کردند (واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۶۲۳). بیشتر پهلوانان از پیشه‌وران شهرها بودند (مجهول المؤلف، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۶). در منابع، بخشی از عامه مردم رنود و اوباش خوانده می‌شوند. این افراد گاهی سبب آشوب و ناآرامی می‌شدند و برای مردم ایجاد مزاحمت می‌کردند (واصفی، ۱۳۴۹: ۴۷۱/۱). البته همین افراد معمولاً در مقابل متجاوزان به دفاع از شهر برمی‌خاستند و در برابر زیاده‌خواهی‌ها و ظلم صاحبان قدرت، در رأس معترضان قرار می‌گرفتند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۶۸/۱؛ نوائی، ۱۳۷۹: ۳۰۰-۳۰۱؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۵۴۵/۲). آن‌گونه که از منابع برمی‌آید، عامه مردم در موقعیت‌های حساس نسبت به اوضاع و سرنوشت شهر خویش منفعل نبودند و گهگاه دست به اقداماتی می‌زدند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۵۹۶/۲؛ جعفری، ۱۳۹۳: ۶۵-۶۷).

۳. تأثیر رفتارهای اجتماعی بر حیات اجتماعی شهر

از مردم انتظار می‌رفت در رفتارهای اجتماعی خود، مطابق با شرع و معقول عمل کنند (شجاع، ۲۵۳۵: ۵۶). در میان رفتارهای اجتماعی مردم، برگزاری مهمانی اهمیت خاصی داشت. مهمان‌نوازی از خصوصیات مردم به شمار می‌آمد. کلاویخو این رفتار اجتماعی مردم ایران را مورد تأیید قرار داده است (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۱۶۳-۱۶۴). مهمانی آنچنان اهمیت داشت که برای آن آداب و شرایطی در نظر می‌گرفتند. در کتاب *فتوت‌نامه سلطانی* آداب و شرایط مهمانی

در عصر تیموریان به خوبی بیان شده است (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۴۷-۲۴۹). عده‌ای از بزرگان مهمانی‌های عام می‌دادند (صفی، ۱۳۳۶: ۲۲۹). معمولاً هدف میزبان از برگزاری این مهمانی‌ها تلاش برای کسب اعتبار اجتماعی بود. شرکت در جشن‌های همگانی بخشی از رفتارهای اجتماعی مردم به شمار می‌آمد. مردم در تهیه مقدمات جشن‌های مربوط به حکومت حضور فعالی داشتند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۷۲/۲؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۷۷/۱؛ یزدی، ۱۳۸۷: ۶۰۸/۱). طبقات گوناگون جامعه با تفریحات و سرگرمی‌هایی نظیر نرد، شطرنج، دیدن کار معرکه‌گیران و مبارزات پهلوانان و کشتی‌گیران، معماگویی، مشاعره، لغزگویی، غزل‌سرایی بیان طنز و حکایت و قصه مشغول بودند (واصفی، ۱۳۴۹: ۲۴/۱-۲۵، ۱۱۸-۱۱۹، ۱۳۸، ۲۵۲، ۴۹۹-۵۰۷، ۳۹۰/۲-۳۹۱؛ واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۷۹).

از رفتارهای اجتماعی مهم شرکت در مراسم سوگواری بود. سوگواری آداب‌ی نظیر برهنه کردن سرها، پلاس و نمدهای سیاه بر گردن افکندن، صورت‌ها را خراشیدن، لباس سیاه پوشیدن، قرآن خواندن و خیرات کردن و دادن صدقات داشت که رعایت آنها توصیه می‌شد (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۵۷؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳-۵۳۹-۵۴۰؛ روملو، ۱۳۸۴: ۳۳۹/۱؛ یزدی، ۱۳۸۷: ۴۵۶/۱-۴۵۷). هنگام درگذشت شخصیت‌های بزرگ حکومتی، مردم موظف به سوگواری بودند (شامی، ۱۳۶۳: ۷۳؛ دوغلات، ۱۳۸۳: ۷۳-۷۴). ممکن بود مراسم سوگواری روزها ادامه داشته باشد. شاه‌رخ در مرگ بایسنقر مدت چهل روز عزادار بود و اقشار گوناگون مردم برای عرض تسلیت به مجلس او حاضر می‌شدند (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۴۱۸/۶). زیارت قبور به‌ویژه مراقد علما و مشایخ یک رفتار اجتماعی مهم به شمار می‌آمد (معین الفقراء، ۱۳۷۰: ۱). باور بر این بود که زیارت قبور محاسن و امتیازاتی دارد (همو، ۱۱-۱۲). این باورها مشوقی بود برای اینکه مردم زیارت مراقد و قبور را به عنوان یک رفتار اجتماعی پیگیرانه دنبال کنند. رفتاری که آداب و شرایط خاصی داشت (واعظ، ۱۳۵۱: ۷؛ معین الفقراء، ۱۳۷۰: ۱۳). وجود مراقد و مزارها در بعضی شهرها باعث می‌شد آن شهرها از نظر اقتصادی و اجتماعی رونق گیرند. مشهد در عصر تیموری چنین وضعیتی داشت. زمچی اسفزاری درباره نقش مرقد امام رضا در رونق و شکوفایی مشهد نوشته است: «و تمامی آبادانی و جمعیت در نواحی مرقد و مزار خجسته آثار آنحضرت است» (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۸۶/۱).

روابط بین مردم از مسائل مهم مربوط به حیات اجتماعی شهر بود. گهگاه اختلافات قومی و مذهبی روابط مردم یک شهر را دچار اغتشاش می‌کرد. در شهرهایی مانند مشهد و هرات گهگاه تقابل‌هایی میان شیعیان و سنیان پیش می‌آمد (واصفی، ۱۳۴۹: ۲۲۰/۲-۲۲۴، ۲۴۷؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۶۸۸/۷). توصیه می‌شد رابطه مردم با هم بر مبنای محبت باشد (دوانی،

۶۰ / تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر شکل‌دهی حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان / کامبیز امیراسمی و ...

۱۳۹۳: ۱۲۶). برقراری ارتباط با افراد اصیل جامعه توصیه می‌شد (شجاع، ۲۵۳۵: ۲۱). به سبب وجود محلات و نزدیکی خانه‌ها به هم، ارتباط با همسایگان اهمیت ویژه‌ای داشت. بخش عمده‌ای از روابط مردم با همسایگان‌شان بود. رعایت حال همسایگان، نیکی کردن به آنها، همکاری و کمک کردن به آنها و احترام گذاشتن به آنها بسیار توصیه می‌شد (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۱۸).

وقف از رفتارهای اجتماعی تأثیرگذار بر حیات اجتماعی شهرها بود. وقف سبب عمران شهرها می‌شد و علاوه بر اینکه بر سیما و کالبد شهر تأثیر می‌گذاشت، اثرات مذهبی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و رفاهی عمده‌ای داشت. طبق گزارش منابع، امیر تیمور به مسئله اوقاف توجه داشت و در مراقبت از آن کوشا بود (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۱۷۸؛ نطنزی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). در قلمرو تیموریان موقوفات آن‌قدر زیاد بود که در زمان سلطان حسین بایقرا برای رسیدگی به آنها دو نفر عهده‌دار مقام صدر بودند (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۹۲۷/۷). در دوره تیموریان وقف نقش عمده‌ای در رونق و شکوفایی شهرها داشت. یک نمونه ارزشمند در این زمینه وقف‌نامه امیرچخماق و همسرش در یزد است (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۳/۸۷۱-۸۸۴). شهرهایی نظیر سمرقند، هرات و مشهد موقوفات فراوان داشتند (عنبری و خالندی، ۱۳۹۱: ۱۵). همین موقوفات از عوامل مهم شکوفایی و رونق زندگی اجتماعی در این شهرها بود.

با حمله مغول پایه‌های اخلاقی رو به انحطاط نهاد. فساد اخلاق در سده‌های هفتم و هشتم گسترده و آشکار شده بود (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۲۸۹). اوضاع اخلاقی عصر تیموری نیز معایب و نقاط ضعفی داشت. شراب‌خواری رواج داشت (شجاع، ۲۵۳۵: ۱۸۹؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۳/۴۹۴-۴۹۶). در برخی محله‌های هرات شراب‌خانه وجود داشت (واصفی، ۱۳۴۹: ۱/۳۱۷). تمایل به هم‌جنس و صورت‌پرستی نزد برخی مردان وجود داشت (واصفی، ۱۳۴۹: ۱/۱۳۸-۱۴۵، ۴۳۷-۴۴۰؛ نظامی باخرزی، ۱۳۷۱: ۱۳۸). خرابیات و مراکز فساد در شهرهای دوران تیموری وجود داشت. گرچه این نوع مراکز منافع مالی برای حکومت به همراه داشت، اما امیر تیمور با فعالیت آنها موافق نبود (نطنزی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). البته در زمان سلطان حسین بایقرا این مراکز در شهری مثل هرات برپا بودند (واصفی، ۱۳۴۹: ۲/۱۹۱). از دیگر معایب اخلاقی، بیان سخنان غیراخلاقی بود که حتی در محافل و مجالس بزرگان و برجستگان نیز بر زبان جاری می‌شد (واصفی، ۱۳۴۹: ۱/۴۱۰). با وجود این، ارزش‌های اخلاقی پسندیده به فراموشی سپرده نشده بود. همچنان نیکی و نیکوکاری توصیه می‌شد و دستیابی به نام نیک برای مردم اهمیت داشت (افصح‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۸۲-۲۸۵). با اینکه معایب و کاستی‌هایی در اخلاق و رفتار مردم وجود داشت، اما از نگاه جهانگردان ونیزی در اواخر قرن نهم، ایرانیان مردمی با رفتار پسندیده

بودند (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۴۹: ۱۴۱).

نتیجه‌گیری

تیموریان به شهرها و آبادانی آنها اهمیت می‌دادند. این دیدگاه برای کارگزاران حکومتی و برخی طبقات جامعه سرمشقی شد که برای آبادانی شهرها اقدام کنند. این توجه به شهر و شهرنشینی که شکوفایی اقتصادی و فرهنگی برخی شهرها را به دنبال داشت، بر روند زندگی اجتماعی شهرها تأثیرگذار بود. شهرهای مهم قلمرو تیموریان کانون‌های مهم تجمع شدند و انواع فعالیت‌های اقتصادی و مناسبات اجتماعی در آنها گسترش یافت. برخی شهرها از رفاه اقتصادی و آسایش اجتماعی بهره‌مند شدند. تمایل تیموریان به شهرنشینی، مانع از مسلط شدن زندگی چادرنشینی جغتاییان بر زندگی شهری شد. شهرها به دلیل کارکردهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی برای طبقه حاکمه حائز اهمیت بودند. آنها می‌کوشیدند طبقات مؤثر جامعه را با خود همراه کنند و گهگاه با رفتارهای توأم با انصاف، عدالت و سخاوت رضایت ساکنان شهرها را فراهم کنند.

توجه طبقه حاکمه به شهرها و اقشار گوناگون مردم، بستر مناسبی را برای شکوفایی زندگی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شهرها فراهم می‌ساخت. دیوانیان با مسائل جامعه در ارتباط بودند و تصمیم‌گیری‌های آنها در عرصه‌های سیاسی، مالی و عمرانی به صورت مستقیم حیات اجتماعی شهرها را تحت تأثیر قرار می‌داد. امرا به عنوان بخشی از ساختار قدرت محلی، بر حیات اجتماعی شهرها تأثیر می‌گذاشتند. شخصیت‌های دینی با برعهده گرفتن وظایف دینی و اجتماعی، نقش مؤثری در حیات اجتماعی شهرها داشتند. بازرگانان علاوه بر فعالیت در حوزه اقتصادی، با مشارکت در امور خیریه و وقف، بر آبادانی شهرها و حیات اجتماعی آنها تأثیر می‌گذاشتند.

رونق تجارت پویایی اقتصادی و اجتماعی شهرها را به همراه داشت. عامه مردم با آنکه بیشتر سرگرم زندگی روزمره خود بودند، اما گهگاه نقش تأثیرگذاری در مسائل سیاسی و اجتماعی شهر خود برعهده می‌گرفتند. در میان عامه، پیشه‌وران به سبب کارکردهای اقتصادی و اجتماعی‌شان، در حیات اجتماعی شهرها نقش مؤثری برعهده داشتند. مناسبات اجتماعی عصر تیموری، مردم فعالی را معرفی می‌کند که به طرق گوناگون با یکدیگر پیوند و ارتباط داشتند.

مردم در حوزه اخلاق گرچه معایبی داشتند، اما پایبندی به اصول اخلاقی و ارزش‌های برآمده از دین و آداب و رسوم و عرف، برای آنان موضوعی پذیرفتنی بود. در شهرهای قلمرو تیموریان حیات اجتماعی با جنب‌وجوش و تکاپو در جریان بود. در بخش عمده‌ای از این دوره، به‌ویژه در شهرهای مهم زندگی اجتماعی رونق قابل توجهی داشت و جلوه‌های پویایی

۶۲ / تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر شکل‌دهی حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان / کامبیز امیراسمی و ...

حیات اجتماعی در عرصه‌های اقتصادی، هنری و فکری و فرهنگی پدیدار بود. سرزندگی اجتماعی شهرها از ویژگی‌های بارز عصر تیموری بوده است. حضور فعالانه مردم در حوزه‌های اقتصادی، فکری، مذهبی، فعالیت‌های صوفیانه و گهگاه سیاسی به همراه ذوق آنها در حوزه هنر و بهره‌مندی از خوشی‌های این جهانی زندگی، از نمودهای این سرزندگی اجتماعی بود.

شهرهای دوره تیموری از نظر اجتماعی خموده، بی‌تحرک، راکد و منفعل نبودند. گروه‌ها و اقشار اجتماعی گوناگون در شهرها حضور داشتند و مسائلی نظیر باورهای دینی، تصوف، رفاه عمومی، امنیت شهر و پیوندهای اجتماعی ناشی از هم‌بستگی‌های شغلی و یا پیوندهای ناشی از سکونت در محلات، به حیات اجتماعی شهرها معنای خاصی می‌بخشید. بی‌گمان توجه تیموریان به شهر و زندگی شهری و دستاوردهای آن، در رونق دادن به حیات اجتماعی شهرها بسیار مؤثر بوده است.

منابع و مأخذ

- ابن عرب‌شاه دمشقی، احمد بن محمد بن عبدالله (۱۳۷۳)، *زندگی شگفت‌آور تیمور*، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۹۳)، *طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر، چاپ سوم.
- الشیخلی، صباح ابراهیم سعید (۱۳۶۲)، *اصناف در عصر عباسی*، ترجمه هادی عالم‌زاده، تهران: نشر دانشگاهی. - افصح‌زاده، اعلاخان (۱۳۷۸)، *تقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی*، تهران: میراث مکتوب.
- *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (۱۳۴۹)* ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- براون، ادوارد (۱۳۳۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه علی اصغر حکمت، ج ۳، تهران: ابن‌سینا، چاپ دوم.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۴۳)، *تاریخ یزد*، تصحیح ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.
- (۱۳۹۳)، *تاریخ جعفری یا تاریخ کبیر: بخش تاریخ اولاد تیمور*، تصحیح عباس زریاب خوئی، به اهتمام نادر مطلبی کاشانی، قم: نشر مورخ.
- جوادی، حسن (مرداد و شهریور ۱۳۵۲)، «ایران از نظر سیاحان اروپایی عصر تیموری»، *بررسی‌های تاریخی*، سال هشتم، شماره ۴۶، صص ۱۵۵-۱۸۶.
- حافظ‌ابرو، شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۷۰)، *جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ‌ابرو*، تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
- (۱۳۷۲)، *زبدۃ‌التواریخ*، تصحیح سید کمال حاج سیدجوادی،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۶۳

- ج ۱، ۲، تهران: نشر نی و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲)، *تزوجات تیموری*، تهران: کتاب فروشی اسدی.
- خوافی، فصیح احمدین جلال‌الدین محمد (۱۳۳۹)، *مجمعل فصیحی*، تصحیح محمود فرخ، ج ۳، مشهد: باستان.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۲۵۳۵)، *دستور الوزراء*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال، چاپ دوم.
- (۱۳۶۲)، *تاریخ حبیب السیر*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، ج ۳، ۴، تهران: خیام، چاپ سوم.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۷۲)، *مآثر الملوک*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: رسا.
- دوانی، جلال‌الدین (۱۳۹۳)، *اخلاق جلالی*، تصحیح عبدالله مسعودی آرانی، تهران: اطلاعات، چاپ دوم.
- دوغلات، میرزا محمدحیدر (۱۳۸۳)، *تاریخ رشیدی*، تصحیح عباسقلی غفاری فرد، تهران: میراث مکتوب.
- راقم سمرقندی، میر سید شریف (۱۳۸۰)، *تاریخ راقم*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- رحمتی، محسن و فاطمه یوسفوند (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، «سلطان حسین بايقرا و حیات اقتصادی خراسان»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال چهارم، شماره ۷، صص ۷۹-۹۹.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴)، *احسن التواریخ*، به اهتمام عبدالحسین نوائی، ج ۱، ۲، تهران: اساطیر.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *ارزش میراث صوفیه*، تهران: امیرکبیر، چاپ نهم.
- زمچی اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۸)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح محمدکاظم امام، ج ۱، ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- سمائی دستجردی، معصومه، فریدون الهیاری و اصغر فروغی ابری (بهار ۱۳۹۵)، «بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال ۲۶، دوره جدید، شماره ۲۹ (پیاپی ۱۱۹)، صص ۸۱-۱۰۶.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲)، *تذکره الشعراء*، تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، تصحیح عبدالحسین نوائی، ج ۲، ۳، ۴، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیفی بخاری (۱۳۶۶)، «صنایع البدایع»، به کوشش نجیب مایل هروی، *مجله رایزنی فرهنگی ایران*، اسلام‌آباد، شماره ۱۰.
- شامی، موانا نظام‌الدین عبدالواسع (۱۳۶۳)، *ظفرنامه یا تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی*، تصحیح محمد احمد پناهی سمنانی، تهران: بامداد.
- شجاع (۲۵۳۵)، *انیس الناس*، تصحیح ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۶۴ / تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر شکل‌دهی حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان / کامبیز امیراسمی و ...

- شیلت برگر، یوهان (۱۳۹۶)، *سفرنامه یوهان شیلت برگر*، ترجمه ساسان طهماسبی، تهران: امیرکبیر.
- صفی، مولانا فخرالدین علی (۱۳۳۶)، *لطائف الطوائف*، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران: اقبال.
- عنبری، مرضیه و انور خالندی (تابستان ۱۳۹۱)، «بررسی مسأله وقف در دوره تیموری»، *تاریخ پژوهی*، سال چهاردهم، شماره ۵۱، صص ۱-۲۰.
- کاتب یزدی، احمدبن حسین بن علی (۱۳۸۶)، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- کاظمینی، کاظم (۱۳۴۳)، *نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات سیاسی ملت ایران*، تهران: چاپخانه بانک ملی.
- کلاویخو، روی گونزالس (۱۳۳۷)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کیوانی، مهدی (۱۳۷۹)، «اصناف»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۹، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- (۱۳۹۲)، *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی*، ترجمه یزدان فرخی، تهران: امیرکبیر.
- گروسه، رنه (۱۳۶۵)، *امپراطوری صحرانوردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- لمبتن، آن (۱۳۹۲). *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- مجهول المؤلف (۱۳۵۰)، *عالم‌آرای صفوی*، به کوشش یدالله شکری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مجهول المؤلف (۱۳۸۸)، *چهارده رساله در باب فتوت و اصناف*، تصحیح مهران افشاری و مهدی مدائنی، تهران: چشمه، چاپ سوم.
- مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۴۰)، *جامع مفیدی*، به کوشش ایرج افشار، ج ۳، تهران: کتاب فروشی اسدی.
- (۱۳۴۲)، *جامع مفیدی*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: کتاب فروشی اسدی.
- مؤید ثابتی، علی (۱۳۴۶)، *اسناد و نامه‌های تاریخی از اوایل دوره‌های اسلامی تا اواخر عهد شاه اسماعیل صفوی*، تهران: طهوری.
- معین الفقراء، احمد بن محمود (۱۳۷۰)، *تاریخ ملازاده: در ذکر مزارات بخارا*، تصحیح احمد گلچین معانی، تهران: مرکز مطالعات ایرانی، چاپ دوم.
- میرجعفری، حسین، محمدکریم یوسف‌جمالی و داریوش موگویی (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، «*عوامل رشد و زوال شهرهای ایران در عصر تیموریان*»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره ۱۷، صص ۲۰۳-۲۲۱.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۶۵

- میرخواند، محمدبن خاوندشاه (۱۳۸۰)، *تاریخ روضة الصفا*، تصحیح جمشید کیانفر، ج ۶، ۷، تهران: اساطیر.
- نجم رازی، عبدالله بن محمد (۱۳۸۹)، *مرصاد العباد*، به اهتمام محمدامین ریاحی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم.
- نخجوانی، محمدبن هندوشاه (۱۹۷۶)، *دستور الکاتب فی تعیین المراتب*، تصحیح عبدالکریم علی اوغلی زاده، ج ۲، مسکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.
- نظنزی، معین الدین (۱۳۸۳)، *منتخب التواریخ معینی*، به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر.
- نظامی باخرزی، عبدالواسع (۱۳۷۱)، *مقامات جامی؛ گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان*، تصحیح مایل هروی، تهران: نشر نی.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۷۰)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل*، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- (۱۳۷۹)، *رجال کتاب حبیب السیر*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم.
- واصفی، زین الدین محمود (۱۳۴۹)، *بدایع الوقایع*، تصحیح الکساندر بلدورف، ج ۱، ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واعظ، سید اصیل الدین عبدالله (۱۳۵۱)، *مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الامال خاقانیه*، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واعظ کاشفی سبزواری، مولانا حسین (۱۳۵۰)، *فتوت‌نامه سلطانی*، به اهتمام محمدجعفر محبوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واعظ کاشفی، مولانا فخرالدین علی بن حسین (۲۵۳۶)، *رشحات عین الحیات*، تصحیح علی اصغر معینیان، ج ۲، تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- واله اصفهانی قزوینی، محمدیوسف (۱۳۷۹)، *خلد برین (روضه‌های ششم و هفتم)*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.
- یارشاطر، احسان (۱۳۸۳)، *شعر فارسی در عهد شاهرخ*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه*، تصحیح سید سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوائی، ج ۱، ۲، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- یوسف جمالی، محمدکریم، حسین میرجعفری و اعظم کلانتر (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، «طبقات، مناصب و ساختار شهرهای خراسان دوره تیموری»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره ۱۶، صص ۱۸۳-۲۰۳.

List of sources with English handwriting

- Afšahzādeh, A'lā k̄ān (1378 Š.), *Naqd va Barrasī Ātār va Šarḥ-e Ahvāl-e Ĵāmī*, Tehran: Mīrāt-e Maktūb. [In Persian]
- Ašraf, Aḥmad; 'Alī Banū 'Azīzī (1393 Š.), *Ṭabaqāt-e Ejtīmā'i-e Dawlat va Engilāb dar Irān*, translated by Soḥaylā Torābī Fārsānī, Tehran: Nīlūfar. [In Persian]
- 'Anbarī, Marzīā; Anvar k̄ālīdī (1391 Š.), "Barrsī-e Masala-ye Vaqf dar Dawra-ye Taymūrī", *Tārīkpezhī*, 14, No. 51, pp. 1-20. [In Persian]
- 'Alam Ārāye Šafavī (1350 Š.), , edited by Yadallāh Šokrī, Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. [In Persian]
- Čāhārdah Risāla dar bāb-e Fotowat va Ašnāf, (1388 Š.), edited by Mihrān Afšārī; Mahdī Madāenī, Tehran: Čašma. [In Persian]
- Davānī, Jalāl al-Dīn (1393 Š.), *Aklāq-e Ĵalālī*, edited by 'Abdallāh Mas'ūdī Ārānī, Tehran: Eṭilā'āt. [In Persian]
- Doḡlāt, Mīrzā Moḥammad ḥaydar (1383 Š.), *Tārīk-e Rašīdī*, edited by 'Abbāsqolī Ġafārīfard, Tehran: Mīrāt Maktūb. [In Persian]
- Ebn 'Arabšāh Damišqī, Aḥmad b. Moḥammad b. 'Abdallāh (1371 Š.), *Zindagānī Šigiftāvar-e Taymūr*, translated by Moḥammad 'Alī Nijātī, Tehran: 'Elmī va Farhngī.[In Persian]
- Ĵa'farī, Ĵarfar b. Moḥammad b. Ḥasan (1343 Š.), *Tārīke- Yazd*, edited by Īraj Afšār, Tehran: Bongāh-e Tajīma va Našr-e Kitāb. [In Persian]
- Ĵa'farī, Ĵarfar b. Moḥammad b. Ḥasan (1393 Š.), *Tārīk-e ĵafari yā Tārīk-e Kabīr: Bakš-e Tārīk-e Olād-e Taymūr*, edited by 'Abbās Zaryāb koī, Nadir Moṭalibī Kāšānī, Qom: Našr-e Movarīk. [In Persian]
- Al-Šaikālī, Šabāḥ Ebrāhīm Sa'id (1362 Š.), *Ašnāf dar 'Ašr-e 'Abbāsī*, translated by Hādī 'Alimzādeh, Tehran: Našr-e Dānišfāhī. [In Persian]
- Ḥafīz Abrū, Šahāb al-Dīn 'Abdallāh b. Loṭfallāh (1370 Š.), *Ĵoḡrāfiā-ye Tārīkī-e korāsān dat Tārīk-e Ḥafīz Abrū*, edited by Golām Rezā Varahrām, Tehran: Eṭilā'āt. [In Persian]
- Ḥafīz Abrū, Šahāb al-Dīn 'Abdallāh b. Loṭfallāh (1372 Š.), *Zobat al-Tavārīk*, edited by 'Alī Ašḡar Ḥikmat, Vol. 3, Tehran: Ebn Sīnā. [In Persian]
- Ḥosaynī Torbatī, Abūṭalīb (1342 s.), *Tazūkāt-e Taymūrī*, Tehran: Asadī. [In Persian]
- Ĵavādī, Ḥasan (1352 Š.), "Irān az Nažar-e Sayāḥān-e Orūpānī-e 'Ašr-e Taymūrī", *Barrasīhā-ye Tārīkī*, 8, No. 46, pp. 155-186. [In Persian]
- Kayvānī, Mahdī (1379 Š.), "Ašnāf", *Daerat al-Ma'arif-e Bozorg-e Eslāmī*, Vol. 9, Tehran: Daerat al-Ma'arif-e Bozorg-e Eslāmī. [In Persian]
- Kātīb Yazdī, Aḥmad b. Ḥosayn b. 'Alī (1386 Š.), *Tārīk-e Ĵadīd-e Yazd*, edited by Īraj Afšār, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
- Kāzemainī, Kāzem (1343 Š.), *Naqš-e Pahlavānī va Nihzat-e 'Ayyārī dar Tārīk-e Ejtīmā'i va Ḥayāt-e Sīāsī-e Millat-e Irān*, Tehran: Bank-e Millī. [In Persian]
- Kāfī, Fašīḥ Aḥmad b. Ĵalāl al-Dīn Moḥammad (1339 Š.), *Moĵmal Fašīḥī*, edited by Maḥmūd Farroḡ, Vol. 3, Mashhad: Bāstān. [In Persian]
- Kāndmīr, Ġiāt al-Dīn b. Himām al-Dīn (1355 Š.), *Dasṭūr al-Vozarā*, Edited by Sa'id Nafīsī, Tehran: Eqbāl. [In Persian]
- Kāndmīr, Ġiāt al-Dīn b. Himām al-Dīn (1372 Š.), *Mātir al-Molūk*, edited by Mīr Hāšm Moḥadīf, Tehran: Rasā. [In Persian]
- Kāndmīr, Ġiāt al-Dīn b. Himām al-Dīn (1362 Š.), *Tārīk-e Ḥabīb Al-Šar*, edited by Moḥammad Dabīr Sīāqī, Vols. 3, 4, Tehran: kayām. [In Persian]
- Maoyid Ṭabetī, 'Alī (1346 Š.), *Asnād va Nāmāhā-ye Tārīk- az Avāyel-e Dawrahā-ye Eslāmī tā 'Ahd-e Šāh Esmā'īl Šafavī*, Tehran: Ṭahūrī. [In Persian]
- Mīr ĵafari, Ḥosayn; Moḥammad Karīm Yūsefjamālī; Dāryūš Mūgoī (1394 Š.), "Avāmil-e Rošd va Zavāl-e Šahrhā-ye Irān dar 'Ašr-e Taymūrīān", *Mājala-ye Pezūhišhā-ye Tārīkī-e Irān va Eslām*, No. 17, pp. 203-221. [In Persian]
- Mir Kānd, Moḥammad b. kāvand Šāh (1380 Š.), *Tārīk-e Rawzat al-Šafā*, edited by Ĵamšīd Kīānfār, Vols. 6, 7, Tehran: Asāṭīr. [In Persian]

- Mo'in al-Foqarā, Aḥmad b. Maḥmūd (1370 Š.), *Tārīk-e Mollāzadah: dar Zīkr-e Mazār-e Bokārā*, edited by Aḥmad Golčīn Ma'ānī, Tehran: Markaz-e Motāli'āt-e Irānī. [In Persian]
- Mostawfī, Bāfqī, Moḥammad Mofīd (1340 Š.), *Jām' e Mofīdī*, edited by Īraj Afšār, Vol. 3, Tehran: Asādī. [In Persian]
- Mostawfī, Bāfqī, Moḥammad Mofīd (1342 Š.), *Jām' e Mofīdī*, edited by Īraj Afšār, Vol. 1, Tehran: Asādī. [In Persian]
- Najm rāzī, 'Abdallāh b. Moḥammad (1389 Š.), *Miršād al-'Ebād*, edited by Moḥammad Amīn Rīyāhī, Tehran: 'Elmī va Farhangī. [In Persian]
- Nakjavānī, Moḥammad b. Hindūšāh (1976), *Dastūr al-Kātib Fi Ta'īm al-Marātib*, edited by 'Abd al-Karīm 'Alī Oglīzādeh, Vol. 2, Moscow: Farhangistān-e 'Olūm-e Jomhūrī-e Šoravī Sosīālistī-e Āzarbāyjān. [In Persian]
- Naṭanzī, Mo'in al-Dīn (1383 Š.), *Montaqab al-Tavārīk-e Mo'inī*, edited by Parvīn Estakrī, Tehran: Asāfir. [In Persian]
- Navāī, 'Abd al-Ḥosayn (1370 Š.), *Asnād va Mokātibāt-e Tārīk-e Irān az Taymūr tā Šāh Esmā'īl*, Tehran: 'Elmī va Farhangī. [In Persian]
- Navāī, 'Abd al-Ḥosayn (1379 Š.), *Rījāl-e Kitāb-e Ḥabīb al-Sīar*, Tehran: Anjoman-e Ātār va Mafākīr-e Farhangī. [In Persian]
- Nizāmī Bākarzī, 'Abd al-Vāsi' (1371 Š.), *Maqāmāt-e Jāmī; Gūšahā-ī az Tārīk-e Farhangī va Ejtīmā'ī korāsān dar 'Ašr-e Taymūrīān*, edited by Najīb Māyil Hiravī, Tehran: Našr-e Nay. [In Persian]
- Raḥmatī, Moḥsen; Fāṭima Yūsefvand (1392 Š.), "Slṭān Ḥosay Bayqarā va ḥayāt-e Eqtišādī-e korāsān", *Tārīknāma-ye Irān-e Ba'd az Eslām*, 4, No. 7, pp. 79-99. [In Persian]
- Rāqīm Samarqnađī, Mīr Sayyed Šarīf (1380 Š.), *Tārīk-e Rāqīm*, edited by Manūčīhr Sotūdeh, Tehran: Bonyād-e Moqūfāt-e Maḥmūd Afšār. [In Persian]
- Rūmlū, Ḥasan bayg (1384 Š.), *Aḥsan al-Tavārīk*, edited by 'Abd al-Ḥosayn Navāī, Vols. 1, 2, Tehran: Asāfir. [In Persian]
- Šamāī Dastjirdī, Ma'sūma; Feraydūn Allāhyārī; Ašgar Forūgī Abrī (1395 Š.), "Barraśī Jāyghāh-e Ejtīmā'ī Honarmandān va Šan'atgarān dar Dawra-ye Taymūrī", *Fašlnāma-ye Tārīk-e Edlām va Irān*, 26, No. 29, pp. 81-106. [In Persian]
- Samarqandī, Kamāl al-Dīn 'Abd al-Razāq (1383 Š.), *Maṭla' Sa'dayn va Maḥma' Bahrayn*, edited by 'Abd al-Ḥosayn Navāī, Vol. 2, 3, 4, Tehran: Pezūhišghāh-e 'Olūm-e Ensānī va Motāli'āt-e Farhangī. [In Persian]
- Samarqnađī, Dawlatšāh (1382 Š.), *Tazkarat al-Šo'arā*, edited by Edward Brown, Tehran: Asāfir. [In Persian]
- Sayfī Bokārī (1366 Š.), "Šanāy'e al-Badāy'e", edited by Najīb Māyil Hiravī, *Majāla-ye Rāyzanī Farhangī Irān*, Eslāmābād, No. 10. [In Persian]
- Šafī, Mawlānā Faqr al-Dīn 'Alī (1336 Š.), *Laṭāif al-Ṭavāif*, edited by Aḥmad Gočīn Ma'ānī, Tehran: Eqbāl. [In Persian]
- Šāmī, Mawlānā Nizām al-Dīn 'Abd al-Vāsi' (1363 Š.), *Zafarnāma yā Tārīk-e Fotūḥāt-e Amīr Taymūr –e Gūrkanī*, edited by Moḥammad Aḥmad Panāhī Simnānī, Tehran: Bāmdād. [In Persian]
- Šojā' (1355 Š.), *Anīs al-Nās*, edited by Īraj Afšār, Tehran: Bongāh-e Tarjama va Nšr-e Kitāb. [In Persian]
- Vā'ez, Sayyed Ašīl al-Dīn 'Abdallāh (1351 Š.), *Maqṣad al-Eqbāl Solṭānīa va Maršad al-Amāl kāqānīa*, edited by Najīb Māyil Hiravī, Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. [In Persian]
- Vā'ez Kāšifī Sabzivārī, Mawlānā Ḥosayn (1350 Š.), *Fotovatnāma-ye Solṭānī*, edited by Moḥammad Jafar Maḥjūb, Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. [In Persian]
- Vā'ez Kāšifī Sabzivārī, Mawlānā Ḥosayn (1356 Š.), *Rašahāt 'Ain al-Ḥayāt*, edited by 'Alī Ašgar Mo'inīān, Vol. 2, Tehran: Bonyād-e Niķūkārī Nūrīānī. [In Persian]
- Vāleh Ešfahānī Qazvīnī, Moḥammad Yūsef (1379 Š.), *ḳold-e Barīn (Rawzahā-ye Šišom va Haftom)*, edited by Mīr Hāšim Moḥdiṭ, Tehran: Mīrāt-e Maktūb. [In Persian]
- Vāšifī, Zayn al-Dīn Maḥmūd (1349 Š.), *Badāy'e al-Vaqāy'e* edited by Aleksandr Bildorf, Vols. 1, 2, Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. [In Persian]
- Yāršātir, Eḥsān (1383 Š.), *Šī'r-e Fārsī dar 'Ahd-e Šāhroḳ*, Terhan: Dānišghāh-e Tīhrān.
- Yazdī, Šaraf al-Dīn 'Alī (1387 Š.), *Zafarnāma*, edited by Sayyed Sa'id Mīr Moḥammad Šādiq; Abd al-Ḥosayn Navāī, Vols. 1, 2, Tehran: Kitābkhāna va Mūza va Markaz-e Asnād-e Šorāy-e Eslāmī. [In Persian]

- Yusefjamālī, Moḥammad Karīm; Ḥosayn Mīr Ĵafarī; A'zam Kalāntar (1394 Š.), “Ṭabaqāt, Manāšib va Sāktār-e Šahrhā-ye Korāsān-e Dawra-ye Taymūr”, *Majala-ye Pežūhišhā-ye Tārīḵ-e Īrān va Eslām*, No. 16, pp. 183-203. [In Persian]
- Zamēī Esfazārī, Mo'īn al-Dīn Moḥammad (1338 Š.), *Rawzāt al-Ĵanāt fi Ošāf-e Madīnat al-Hirāt*, edited by Moḥammad Kāzīm Emām, Vols. 1, 2, Tehran: Dānišgāh-e Tihrān. [In Persian]
- Zarrīnkūb, 'Abd al-Ḥosayn (1378 Š.), *Arziš-e Mīrāt-e Šūfiya*, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]

English Sources

- Browne, Edward G. (2009), *A Literary History of Persia*, Cambridge University Press.
- Clavijo, Ruy González de (2018), *Narrative of the Embassy of Ruy Gonzalez de Clavijo to the Court of Timurm at Samarcand, A. D. 1403-6*, Hard Press.
- Grousset, Rene (1948), *L'empire des Steppes Attila, Gengis Khan, Tamerlan*, Payot.
- Keyvani, Mehdi (1982), *Artisans and Guild Life in the Later Safavid Period: Contributions to the Social-economic History of Persia*, Klaus Schwarz.
- Lambton, Ann K. S. (1988), *Continuity and Change in Medieval Persia: Aspects of the Administrative Economic and Social History, 11th-14th Century*, I. B. Tauris & Co. Ltd.
- Schiltberger, Johann; Klaus Schwanitz (2019), *Schiltberger: From the Battle of Nicopolis 1396 to Freedom 1427 A. D.*, Kindle.
- Thomas, William; S. A. Roy; Lord Stanley of Alderley (2017), *Travels to Tana and Persia, by Josafa Barbaro and Ambrogio Contarini*, Hakluyt Society.

Historical Analysis of Factors Affecting the Formation of Social Life of Cities in the Timurid Era¹

Kambiz Amiresmi²
Abolhassan Fayyaz Anoush³
Fereydoun Allahyari⁴

Received: 2019/04/07
Accepted: 2019/09/13

Abstract

Timurids extolled urban life and were diligent regarding making flourishing cities and reviving diverse facets of urban life. Cities were of a significant social function, and different social groups and classes were active within them. Therefore, Timurid's role turns into an essential issue in the social life of the city. The present study tries to answer this query: "How was a city's social life within the Timurids realm, and what factors played a role in forming them?" The current study's intended hypothesis is that the Timurids and some of social groups and classes besides social relationships made it possible to bring societal dynamism to the important cities within their realm. The study aims to historically analyze the city's societal life in the Timurids realm. Hence, it is tried to examine the Timurids' viewpoint regarding the city and urban life, introduce the most influential social groups and classes effective on the societal life of a city, and point out people's societal relationships. The study results suggest that the Timurids were influential in reviving the social life of cities. The important cities located in their realm bloomed and became essential loci of population, and different kinds of economic and cultural activities and societal relations developed within them. As a result, these cities achieved much social dynamism.

Keywords: Timurids, City, Societal life, Social groups and classes, Social relations

1. DOI: 10.22051/HII.2020.20520.1661

2. PhD Candidate in History, University of Isfahan, Kambizamiresmi49@gmail.com

3. Associate Professor, Department of History, University of Isfahan (Corresponding Author), a.fayyaz@ltr.ui.ac.ir

4. Professor, Department of History, University of Isfahan, F.allahyari@Ltr.ui.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493